

## اجلاس سران جنبش عدم تعهد چه بود و چه هدفی داشت ؟

شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران در هفته ی گذشته با تدارکات وسیع امنیتی - نظامی، تعطیل پنج روزه ی تهران و قرق خیابان های اصلی ی محل رفت و آمد شرکت کنندگان، در روز جمعه ۳۱ اوت به پایان رسید. بررسی روال برگزاری این اجلاس و مقاصدی که رژیم دنبال کرد، برای پی بردن به اهدافی که مورد نظر شرکت کنندگان بود، ضروری است.

رهبران و مبلغین اصلی رژیم چه در داخل اجلاس و چه در بیرون از آن سعی کردند نقش خلیفه گری و مرشدی جهان غیر متعهدها را ایفا کنند، در مقابل اسرائیل و جهان غرب مظلوم نمایی کنند، موضع بشر دوستانه بگیرند، آن ها را سلطه گر، اشاعه دهنده ی فرهنگ منحط و مسبب همه نابرابری ها و بی عدالتی ها بازتاب دهند. خامنه ای در این رابطه نقش رهبر و ناصح را پیش گرفت و احمدی نژاد نقش افشاگر و روشنگر را ! خامنه ای در سخنرانی افتتاحیه ی اجلاس، روابط دولت ها را این گونه تعریف کرد :

**« روابط دولت ها باید بر پایه ی مشارکت همگانی و برابری حقوق ملت ها باشد و دولت ها باید ارتباط خود را نه بر پایه ی ترس و تهدید بلکه بر پایه منافع مشترک و برتر از آن منافع انسانی بنا کنند. »**

او ضمن انتقاد از شورای امنیت سازمان ملل گفت که ایران به دنبال سلاح اتمی نیست و خواهان جهانی عاری از سلاح های هسته ای بوده ولی استفاده ی صلح آمیز را حق همگان میدانند. این گونه سخنرانی ها که خامنه ای بارها تکرار کرده با پنهان کاری ها و شفافیت نبخشیدن به فعالیت های هسته ای آن در تناقض است و این امری است که امروزه بر کسی پوشیده نیست. برای نمونه، طبق آخرین گزارش آژانس بین المللی، ایران در فورده ۳۵۰ ستریفوژ جدید نصب و پایگاه نظامی پرچین را پاک سازی کرده است، اما به بازرسان آژانس اجازه ی بازرسی از آن را نمی دهد. گمان زده می شود که این پاک سازی ها در رابطه با از بین بردن آثار نوعی آزمایش هسته باشد. صالحی، وزیر امور خارجه، ضمن پذیرش وجود این پاک سازی ها گفته است که : **« پاکسازی پرچین معنای فنی ندارد و این مسائل با پاکسازی زدوده نمی شود. »** ( ۱ ) که منظورش زدوده شدن از اثرات رادیو اکتیو است. اما تناقض این گفتار در این است که اگر چنین است چرا بازرسان نباید از آن دیدن کنند؟

این روال از پیش برنامه ریزی شده و گاه کاملاً متناقض با اهداف مورد تأیید جمع، در تمامی ساعات و در همه ی رفتار های برگزار کنندگان اجلاس خود را بطرز زنده ای نشان داده است. بجاست در اینجا به بخشی از سخنان مرسی رئیس جمهور مصر اشاره کنیم.

مرسی در سخنرانی خود گفته بود:

**« دو ملت فلسطین و سوریه قهرمانانه برای آزادی ، عدالت و کرامت انسانی مبارزه می کنند. روند انقلاب های عربی از تونس آغاز و به یمن و لیبی کشیده شد و هم اکنون شاهد انقلاب سوریه علیه حکومت ظالم هستیم. حق رأی وتو، شورای امنیت را از حل بحران سوریه، ناتوان کرده است. ما با ملت سوریه علیه ظلم و سرکوب اعلام همبستگی می کنیم. وحدت مخالفان ضروری است. »**

اما در شبکه ی یک رادیو ایران این بخش را به این صورت ترجمه کردند :

« ملت فلسطین و بحرین و دیگر ملت‌ها اکنون در حال مبارزه هستند. تونس از پس آن آغاز شد و لیبی و یمن را شاهد هستیم و تحولاتی که هم اکنون در بحرین شاهد آن هستیم . وتوی شورای امنیت را از حل بحران های تحولات مردمی ناتوان کرد. ما با ملت سوریه در مقابل توطئه علیه این کشور اعلام همبستگی می کنیم. باید امیدوار باشیم که در سوریه نظامی که مردمی است، باقی بماند. »

در این تحریف آشکار ترجمه سخنرانی مرسی علاوه بر آنکه اعتراض دولت بحرین را موجب شد، ( ۲ ) سه نکته بسیار مهم در برداشت که هر خواننده بی طرفی را میتواند به تعجب وادارد : بی توجهی مقامات جمهوری اسلامی به جان صدها شهروند بی گناهی که هرروزه در خیابانهای سوریه به خاک و خون کشیده میشوند، وحشت حاکمان از کلمات « آزادی »، « عدالت » و « کرامت انسانی » حتی بر روی کاغذ و سه دیگر مردمی خواندن نظام سوریه، نظامی که تا کنون بیش از بیست هزار نفر قربانی دستگاه استبداد نظامی - امنیتی آن شده اند. شبکه ی یک رادیوی ایران، در عین حال، هرچا مناسب تشخیص داده بود بجای کلمه ی سوریه کلمه ی بحرین را گذاشته و همه ی بخش های مربوط به آزادی و حقوق انسانی را عمداً حذف کرده بود.

مرسی و بانکی مون، دبیر کل سازمان ملل، به این اجلاس نرفته بودند تا در گروه های کاری جهت معاملات تجاری، دور زدن تحریم ها یا قرار مدار های اقتصادی با ایران چانه زنی کنند، بلکه هر یک با برنامه ی مستقل خود در آن شرکت کردند. بانکی مون، علی رغم نارضایی ی امریکا از شرکت او در این اجلاس، در چند جا از احمدی نژاد و خامنه ای انتقاد کرد. او در مورد محو اسرائیل گفت:

« من سر سخنان تهدیدها از سوی هر کدام از کشورهای عضو مبنی بر حذف دیگری و تلاش ها برای انکار وقایع تاریخی از جمله هولوکست را محکوم می کنم. » ( ۳ )  
همینطور هم در سخنرانی در دانشکده ی ارتباطات وزارت خارجه گفت:

« بسیاری از چالش های حقوق بشری در ایران باقی مانده است. » و در دیدار دیگری با حکومتیان با اصرار خواسته بود که رهبر مخالفان دولت، مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران و فعالان اجتماعی را آزاد کنند تا شرایط آزادی بیان و مباحثه در فضای باز مهیا شود. او در زمینه ی چالش های مردم کشورهای جنبش عدم تعهد گفته بود :

« امروز سازمان ملل و جنبش عدم تعهد با چالش اساسی پاسخ به آرمان های مردمشان مواجه هستند. » ( ۴ )

در رابطه با سخنان مرسی و بانکی مون هیچ یک از شرکت کنندگان در اجلاس واکنشی نشان نداده بودند و سکوت آن ها نشان داد که کوچکترین همگرایی سیاسی بین این نیروها و بر گزار کنندگان این اجلاس وجود ندارد. چگونه میتوان کشورهای چینی، هند، برزیل و آرژانتین که از دمکراسی بورژوازی برخوردارند و آزادی احزاب، اندیشه، بیان و انتخابات پارلمانی در آن ها نهادینه شده را با حکومت های قبیله ای منطقه خاور میانه، استبدادهای آسیای میانه و حکومت های مستبده ی مادام العمر ضد بشری چون بشار اسد و جمهوری اسلامی مقایسه کرد و هم فکر دانست؟ گنده گویی های خامنه ای و لفاظی های عوامفریبانه ی احمدی نژاد که مصدر حکومتی هستند که در آن شکنجه، سنگسار، اعدام و حتی تجاوز و قتل بلوگ نوبسان، عرف و اخلاق سیاسی است، در داخل اجلاس و حتی در سطح بین المللی چه همدردی و حمایتی را میتواند برانگیزد؟ تلاش خامنه ای و احمدی نژاد

با حمله به « غرب سلطه گر و منحط » به هدف ایجاد قطب مستقل مظلوم جنبش عدم تعهد در مقابل قطب ظالم سلطه گر، آب در هاون کوبیدن است و شکست توهم تقسیم « مدیریت جهانی » ی مطرح از سوی احمدی نژاد را هر چه بیشتر بر ملا می کند.

اگر پشتوانه ی جنبش عدم تعهد در دهه های شصت و هفتاد قرن بیستم شخصیت هایی چون نهر و مصدق یا جمال عبدالناصر بودند و این جنبش در شرایط وجود دو قطب کشورهای « سوسیالیستی » و سرمایه داری، موضعی ضد استعماری و ضد امپریالیستی داشت، امروزه که دیگر از جهان دو قطبی اثری نیست، ریاست کشورهای جنبش عدم تعهد بدون داشتن برنامه ای مترقی و فقط به هدف دستیابی به رهبری ی امت اسلامی و دست و پا کردن مشتریانی برای خرید نفت و نجات خود از سقوط به پرتگاه کامل اقتصادی، دیگر نه رسالتی ضد امپریالیستی و ضد استعماری را منعکس می کند و نه کمترین اثری از عدالتخواهی و برابر حقوقی را به نمایش می گذارد. اشاره ی احمدی نژاد به هدف بنیان گذاران جنبش عدم تعهد بمنظور اثبات استقلال و ترقی خواهی این مجموعه و از پرتو آن کسب اعتبار برای خود، قیاسی واقعاً مع الفارق است.

حاکمیت اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن برنامه ی قلع و قمع هر نوع دگر اندیشی را ریخته بود. فراموش نکنیم که همین روحانیت حاکم در سقوط دولت مصدق مستقیماً با ارتجاع داخلی و بین المللی همکاری کرد و از همان آغاز حتی خیابان هایی هم که به نام مصدق بود را با نام آیه الله کاشانی جایگزین کرد. گنجاندن مولفه هایی چون « مدیریت مشترک جهانی »، « پرهیز از ملاحظات سیاسی در مورد حقوق بشر »، « امحای سلاح های هسته ای »، « حق کشورها در استفاده ی صلح جویانه از انرژی هسته ای »، « منع تهدید یا حمله به تأسیسات هسته ای »، « پرهیز از اجرای قوانین و تحریم های یکجانبه علیه کشورها » در یازده بند مصوبه ی نهایی اجلاس، در واقع حرف تازه ای در بر ندارد و میتوان گفت بیشتر مصرف داخلی و عوامفریبانه در محدوده ی قمه بدستان و مبلغین تاریک اندیشی دارد که پیش برنده ی چرخه ی بخون نشسته ی کشتار هزاران ایرانی دگر اندیش، آزادیخواه و برابری طلب طی بیش از سه دهه مبارزه بوده اند. نوعی دلگرمی است برای تسکین احساسات دروغین ضد امپریالیستی ی حاکمان جنایت کاری که با تخصیص ششصد میلیون دلار بودجه، شصت میلیون دلار برای خرید خود روه های بنز تشریفاتی، چهل میلیارد تومان به عنوان پیش پرداخت به شرکت های تهیه غذا، زیان ناشی از پنج روز تعطیلی ی کامل تهران که سه میلیارد دلار اعلام شده است و تعطیلی استان البرز و فرودگاه ها و ۷۰۰ میلیارد تومان برای بنزین دولت جهت خالی کردن شهر تهران برای عادی جلوه دادن شهری که همیشه در کنترل امنیتی — پلیسی رژیم بوده است، جامعه ی ما را هرچه بیشتر به ویرانی و نابودی اقتصادی سوق میدهند. ( ۵ )

اجلاس شانزدهم جنبش عدم تعهد به ریاست جمهوری اسلامی آئینه تمام نمایی بود از رفتار و عملکرد حکومتی مذهبی — استبدادی. این اجلاس برگ دیگری از شکست مدیریت اقتصادی و سیاسی رژیم را به روی ۱۲۰ کشور شرکت کننده گشود، اقتصادی که سمت و سویش طی سال جاری و پس از شکست شعار تولید ملی و کار، هم اکنون با شعار اقتصاد مقاومتی، به سمت بودجه ی انقباضی و کسری بودجه های پنهان در حرکت است، اقتصادی که بموازات ورشکستگی صنایع ( نمونه پتروشیمی اصفهان ) و تعطیلی صدها واحد تولیدی،

مفقود الاثر شدن ۷۰۰ میلیارد تومان سرمایه ملی طی دو سه سال گذشته، دو هزار تخلف مالی طی یک سال و بیست در صد تورم رسمی در دوران تورم های اندک که حتی امارات، قطر و کویت توری سه در صدی داشته اند، رتبه سوم تا پنجم در اقتصادهای بالاترین تورم در سطح جهان را داشته است. ( ۶ ) این اجلاس ها دیگر پاسخگوی هیچ یک از معضلات جوامع عضو آن نیست چرا که دنیای نود در صد اعضاء آن با درد و رنج چند میلیارد ساکنین درمانده و فلاکت زده ی این جهان بیگانه است. در رهایی از این جهان بی آینده و ستم پیشه سازمانیابی اکثریت کارگران و زحمت کشان برای خود رهایی ضرورتی است. باید بیاری آن بشتابیم.

تحریریه سایت ۶ سپتامبر ۲۰۱۲

- ۱ - فیس بوک بین المللی ۲۹ اوت
- ۲ - گزارش عصر ایران ۱۲ شهریور
- ۳ - خبرگزاری مهر اول سپتامبر
- ۴ - گزارش سایت کلمه ۱۰ شهریور
- ۵ - سایت کلمه ۱۰ شهریور
- ۶ - مجله ی آسمان ۲۱ مرداد